

هومن جعفری

روزنامه نگار

بازیکن خارجی؟ تا که باشد!

به فصل نقل و انتقالات رسیده ایم و سؤال اصلی این است که آیا بازیکن خارجی بیاوریم یا نه!

یادم نیست این داستان پیرامون کدام عارف و صوفی برجسته ای بوده. از عارفی پرسیدند: «شراب حرام است؟» گفت: «تا که خورد!» حالا حکایت بازیکن خارجی است. تا کدام باشگاه بیاورد و تا کدام بازیکن را بیاورند! طبیعتاً من طرفدار حضور بازیکن خارجی نیستم چون شیوه انتقال و همچنین قیمت گذاری بازیکن در بازار ایران را مطلقاً قبول ندارم. بر این باورم هم در مرحله انتخاب و هم در مرحله عقد قرارداد، منافع مالی بر منافع باشگاهی می چربد. مثال هم زیاد است ولی تیزی به بازگویی شان نیست. یک چیز فوتبال امریکار است بسیار تحسین می کنم و آن دخالت کمیته فنی فدراسیون در انتخاب بازیکن خارجی است. هیچ بازیکن خارجی اجازه حضور در لیگ امریکار ندارد مگر با تأیید کیفیت فنی اش! نکته ای که اگر در ایران لحاظ می شد، نزدیک ۷۰ درصد نقل و انتقالات خارجی ما انجام نمی شد!

بازیکن خارجی برای همه تیم ها ضروری است اما با این وضعیت شیطنت های تمام نشده دلار، آوردنش عملاً شلیک به پیشانی خودمان است. بنابراین اگر قرار است یک بازیکن خارجی بیاید، باید به این فکر کنیم که شش ماه دیگر قرار است یک پرونده جدید علیه باشگاه در فیفا باز شود یا قرار است یک ستاره به فوتبال ایران اضافه شود؟

آیا می توانیم نمونه داخلی همان بازیکن خارجی را با قیمتی مناسب تر به دست بیاوریم؟ آیا می توانیم بخش اعظم حقوق بازیکن را زودتر به او پرداخت کنیم تا از نوسانات دلار فرار کنیم؟ این خیلی نکته مهمی است اما نکته مهم تر؛ آیا مدیری که بازیکن خارجی می آورد، نسبت به شش ماه بعد باشگاه تعهد دارد یا نه؟ این نباشد که یکی بیاورد و بازیکن و مربی خارجی بیاورد و بار دلاری روی دوش باشگاه بگذارد و خداحافظ.

عکس: نسیم احمدی / ایران ورزشی

کن یواسپیک فارسی؟

ایمان گودرزی
روزنامه نگار

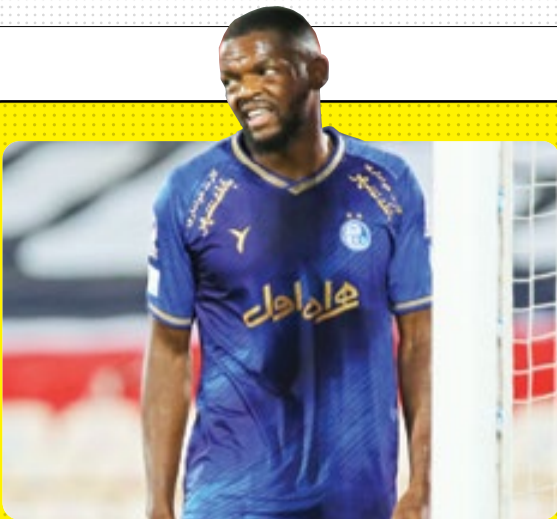
بازیکن خارجی در باشگاه های ایرانی بیشتر از اینکه ما را به یاد بازی های درخشان و عملکرد بی نظیر آنها در لیگ ایران بیندازد یادآور پنجره های بسته و بدهی های سنگین و بدقولی های آنهاست.

در آخرین مورد یورگن لوکادیا

که به نظر می رسید ستاره لیگ بیست و دوم باشد با قال گذاشتن پرسپولیسی ها یک پرونده بازیکن ناکام خارجی دیگر در لیگ ایران را مختومه اعلام کرد. هیچ کس بدش نمی آید که بازیکنان سطح بالای خارجی در تیمش باشد اما نه به قیمت دردهای فراوانی که بعد از آن به وجود خواهد آمد. حال گفته می شود مجموعه مس برای تمام تیم های خرید بازیکن

خارجی را ممنوع کرده است. این قضیه هم می تواند خوب باشد هم بد، خوب بودن از این نظر که بازیکنان داخلی می توانند برای رسیدن به جایگاه خود در آن پست بجنگند و نبود بازیکن خارجی آنها را به نیمکت نشین همیشگی تبدیل نخواهد کرد اما از طرف دیگر شکی در این نیست حضور بازیکنان باکیفیت می تواند سطح بازیکنان و لیگ ایران را بالا ببرد اما نه به

صرف اینکه آن بازیکن فقط فارسی صحبت کردن بلد نباشد و به تیم آورده شود، مثل مقایسه تمیروف و یورگن لوکادیا! چیزی که به نظر می رسد سران مجموعه مس با توجه به اتفاقات اخیر شاید به این باور رسیده اند که اگر نمی توانی کر یستیانو رونالدو را به تیمت بیاوری بهتر است کلاً خارجی در تیمت نداشته باشی!



نقل و انتقالات نیم فصل با کنارمانده ها و بنجل های خارجی

پنجره ای رو به جیب دلان!

آیسان سعیدی
روزنامه نگار

زمستان تازه آغاز شده و لیگ برتر بعد از یک توقف یک ماهه اجباری به واسطه برگزاری جام جهانی دوباره شروع شده. تماشای رقابت های لیگ بعد از جام جهانی حقیقتاً یک زجر مضاعف است! تماشای فوتبال های بی کیفیت و بدون هیچ نوآوری و با اتکا به تاکتیک های سنتی نخواهد شد ۲ دهه قبل، بازیکنان تکراری، مربیان تکراری و از همه بدتر استادیوم های بی ریخت و زشت و فیلمبرداری بدوی هیچ شوری را بر نمی انگیزد که هیچ، بلکه یک سوهان روح و یک عذاب الیم برای هواداران است که همین چند هفته پیش از تماشای بازی های جذاب و پرهیجان در استادیوم های شیک و لاکچری با چمن مخملی و البته ستاره های ریز و درشت حظ مضاعفی را بردند. با وجود این از حقیقت

گریزی نیست، باید به این فوتبال بی قواره و زشت عادت کنیم که تنها بهانه ما در این روزهای دشوار و تلخ است. روزهایی که دیگر فوتبال هم نمی تواند بهانه خوبی باشد اما چاره ای نیست. با پایان رسمی مسابقات نیم فصل اما دیگر توقفی وجود ندارد و قطار لیگ به شکل سریع السیر باید تخت گاز تا ایستگاه پایانی و هفته سی ام پیش برود. با وجود این مناسب مسابقات به شکل قبلی اجرا خواهد شد. با رسیدن به نیم فصل پنجره نقل و انتقالات زمستانی باز خواهد شد و تیم ها بعد از یک نیم فصل کشتار و ملال آور تجدید قوا خواهند کرد تا برای نیم فصل دوم آماده شوند. کاور کردن نقاط ضعف نیمه اول لیگ مهم ترین برنامه تیم ها در پنجره نقل و انتقالات زمستانی است اما هیچگاه این نقاط ضعف برطرف نمی شود چرا که در پنجره زمستانی و میانه فصل هیچ ستاره بزرگی جایه جا نمی شود

و تیم ها هرگز اجازه جدایی به ستاره های خود را نخواهند داد. از همین رو شاهد بازاری خاموش و ملال آور هستیم که به جز چند نام کنار مانده و بی مصرف هیچ اتفاق خاصی در آن رخ نمی دهد. پنجره نقل و انتقالات نیم فصل هیچ هیجانی ندارد چرا که در این بازار سوت و کور از ستاره های خبری نیست و هیچ ترانسفر بزرگ و پر سر و صدایی صورت نمی گیرد. در این میان برخی از باشگاه ها چند سالی است که در پنجره زمستانی متوجه بازار خارجی می شوند تا بلکه نیازهای خود را از مارکت بین المللی تأمین کنند اما این قاعده در بازار جهانی نیز رعایت نمی شود. یعنی در زمستان تقریباً هیچ بازیکن به درد بخوری پیدا نمی شود که آزاد باشد و باشگاه ها نیز هرگز رضایت نمی دهند که بازیکنان تأثیرگذار و کلیدی خود را در نیم فصل بفروشند. بنابراین باشگاه های ایرانی مجبورند اسیر خیمه شب بازی

دلالاتی شوند که مشتکی بنجل کنارمانده و خانه نشین را به آنها ببنداند تا به جای اینکه قاتق نان آنها شده، قاتل جانشان شود! دلان در این ایام با رنگ کردن کلاغ آن را به جای قناری به باشگاه های ایرانی قالب می کنند و این بازیکنان بی مصرف در نهایت سر از نیمکت تیم های ایرانی درمی آورند. نیمکت نشین های گرانقیمتی که در ازای گشت و گذار در ایران به دلار پول می گیرند و در نهایت به واسطه بدهدی باشگاه های ایرانی شکایت می کنند، غرامت چند برابری می گیرند و دست آخر یک تجارت پرسود را با یک چمدان دلار بی زبان از ایران به یادگار می برند. این سناریو در تمام این سال ها به کرات برای تمامی باشگاه های ایرانی تکرار شده. باشگاه هایی که حتی در ابتدای فصل و بازار مکاره تابستان نیز آنقدر وسواس و سختگیری در خرید بازیکن خارجی ندارند و در اغلب اوقات دلان برای آنها تعیین تکلیف کرده

و با خوش رقصی بازیکنانی را به آنها قالب می کنند که گاه برخی از آنها حتی پیش از آمدن به ایران فوتبالیست نبوده اند! با چنین رزومه و عقبه سیاهی بدیهی است که در پنجره زمستانی که تقریباً همه بازیکنان استاندارد شاغل در اروپا تحت قرارداد تیم های متبوع شان هستند، هیچ تحفه دندان گیری نصیب باشگاه های ایرانی نشود و آنها به کاهدان بزنند. با قاطعیت می توان گفت پنجره زمستانی برای باشگاه های ایرانی در نیم فصل، تنها پنجره ای رو به جیب دلان است و تنها نصیب آن را دلالاتی می برند که بازیکنان کنار مانده را به باشگاه های بی قید و بی تعهد ایرانی قالب می کنند و سود سرشاری به جیب می زنند. بنابراین، این پنجره را برای همیشه حداقل رو به خارج از مرزها ببندید؛ از این پنجره تنها دلار است که بیرون ریخته خواهد شد و هدر خواهد رفت.



بازیکن خارجی خوب یا بد؟

امیررضا همایون
روزنامه نگار

لیگ برتر فوتبال ایران هم به مانند تمام لیگ های فوتبالی جهان از حضور بازیکن خارجی مستثنی نیست و باشگاه های حاضر در لیگ برتر هم برای بهبود کیفیت فنی خودشان بازیکنان خارجی استخدام می کنند. اما این بازیکنان هم به مانند جنس خارجی کیفیت بد و خوب و ضعیف و قوی داشته و دارند. بسیاری از باشگاه ها به علت کمبود بودجه و بالا رفتن قیمت ارز در سالیان اخیر مجبور به استخدام بازیکن با کیفیت پایین تر می شوند، انتخابی

که سرانجامش می شود داشتن یکی از کم گل ترین لیگ های قاره آسیا و پرونده های متعدد در کمیته انضباطی فیفا برای شکایت این بازیکنان برای دریافت دستمزد عقب افتاده و غرامت. این موضوع اما تنها یک روی سکه بازیکنان خارجی در لیگ برتر است روی دوم اما برای باشگاه های ایرانی بسیار مطلوب به نظر می رسد، چرا که در محدود خرید های خوب، بازیکنان باکیفیتی مانند یورگن لوکادیا به ایران می آیند که به تنهایی و پس از گذشت ۳ هفته از خروچش از پرسپولیس همچنان آقای گلی لیگ برتر ایران را در اختیار دارد.

با این وجود خاطرات بد و تلخ ما از

استخدام بازیکنان بنجل و بی کیفیت خارجی بسیار بیشتر از نمونه های موفق است. آنچه که سبب شده شرکت صنایع مس ایران طی چند روز گذشته استخدام بازیکنان خارجی را به همین علت و بالا رفتن قیمت ارز در تیم های تحت مالکیتش ممنوع کند. بی تردید اگر بازیکنان باکیفیت خارجی به لیگ بیاوریم، دیگر نیازی به ممنوع کردن عدم حضور خارجی ها نیست. بلکه این موضوع کمک زیادی به پیشرفت سطح فوتبال ایران می کند.

داستان احترام

سینا فتوت

روزنامه نگار

زیرساخت های ما، حتی باشگاه های دسته دومی و دسته سومی نیز آنقدر محبوبیت داشتند و تماشاگران پرشورش کنار تیم خود بودند که هر هفته سامانه هایشان قطع می شد و بلیت هایشان نایاب می گشت و ورزشگاه هایشان پر می شد! الان تماشاگران را به ورزشگاه راه نمی دهیم اما اگر در هم باز باشد، نمی از سکوها خالی خواهد ماند. بحث رونالدو نیست، بحث برسر قطع امید هوادار از باشگاه خودش است. النصر به هوادارانش رونالدو را هدیه می دهد در حالی که استقلال استراماچونی را از دست می دهد و پرسپولیس لوکادیا را! وقتی مدام به هوادارت احترام می گذاری آنها پشتت هستند. وقتی مدام به هوادارت ضد حال می زنی، آنها از تو فرار می کنند!

پیرامون انتقال رونالدو به النصر حرف زیاد است اما من دوست دارم به این فکر کنم که هواداران النصر برای خوشامدگویی به بازیکن جدیدشان چگونه سنگ تمام می گذارند. میزان استقبال هواداران باشگاه از این مراسم آنقدر بالا بوده که سامانه های بلیت فروشی مختل شده اند. یادمان باشد عربستان ایران نیست که با هر باد و بارانی سامانه های مختل شوند و سیستم قطع گردد و مردم علاف بمانند. آنها ترسی از هزینه کردن برای سامانه های خود ندارند و در نتیجه استقبال آنقدر بالا بوده که سامانه هایشان قطع شده. سابقاً در فوتبال ایران، صرف نظر از ضعف

